

قبیله پیکمه در آفریقا

همدم جلیل پور

موقعیت جغرافیایی قاره آفریقا

قاره آفریقا از لحاظ وسعت و جمعیت دومین قاره بزرگ جهان پس از آسیا است. با مساحتی در حدود ۳۶۵.۰۰۰ کیلومتر مربع ۲۰.۳٪ از مجموع خشکی های زمین را در بر می گیرد. عرض این قاره حدود ۸۹۰ کیلومتر از شمال به جنوب و طول آن در حدود ۷۴۰۰ کیلومتر از شرق به غرب میباشد. آفریقا با بیش از ۲۰۰۰ میلیون نفر جمعیت (طبق آمار ۲۰۰۵) در ۶۱ ناحیه حدود یک هفتم از جمعیت جهان را در خود جای داده است. این قاره از شمال به دریای مدیترانه، از شمال شرق به کانال سوئز و دریای سرخ، از شرق به خلیج عدن، از جنوب شرق به اقیانوس هند و از غرب به اقیانوس اطلس محدود میشود.

این قاره در دو سوی خط استوا قرار گرفته و نواحی اقلیمی متعددی را در بر می گیرد؛ آفریقا تنها قاره ای است که از منطقه معنده شمالي تا منطقه معنده جنوبی امتداد یافته است. به دلیل فقدان بارش‌های منظم طبیعی و آبیاری، و نیز تاحدودی عدم وجود سیستمهای توده ای یخ یا سفره های زیرزمینی کوهستانی، هیچگونه اثر معنده کننده طبیعی بر اقلیم به استثنای نزدیک سواحل در آن وجود ندارد. در مرکز آفریقا (نزدیک استوا) نیمی از سال بارانی می باشد که دارای هوای گرم و مرطوب است و جنگل های زیبایی را پدید می آورد که عمری بیشتر از یک نیم سال ندارد چرا که بعد از این فصل بارانی، گرمایی سخت و طاقت فرسا تمام منطقه را فرا می گیرد و هیچ جانوری طاقت آن را ندارد و پس مدتی آن جنگل ها به بیابانی خشک و بی آب و علف تبدیل می شود.

نیمه دیگر سال گرم و خشک است که در مجموع طبیعتی ۲ فصل را پدید می آورد. اگرچه گمانه زنیهای اروپا درباره ماهیت صحرای اتیوبی در جنوب آفریقا به زمانی بیش از دو هزار سال قبل بازمی گردد، آفریقا به عنوان قدیمی ترین قاره ای که بشر در آن سکونت داشته محسوب می شود. بزرگ ترین کشور آفریقا سودان و کوچک ترین منطقه آن جزایر سیشل که در اقیانوس هند می باشد. کوچک ترین کشور ناحیه خشکی آن گامبیا است.

شمالي ترین نقطه آفریقا دماغه الغیران (در کشور تونس)، جنوبی ترین نقطه دماغه آگولهاس (در کشور آفریقای جنوبی)، شرقی ترین نقطه دماغه گواردافوئی (در کشور سومالی) و غربی ترین نقطه نوک المادی (در کشور دماغه سیز) میباشد.

آب و هوای آفریقا از اقلیم حاره ای تا فراشمالگان در بالاترین قلل آن در نوسان است. در ناحیه شمالی آن عمدتاً بیابان یا مناطق باир وجود دارد، در حالی که مناطق مرکزی یا جنوبی شامل دشت‌های گرم (استوایی) و نواحی جنگلی بارانی بسیار متراکم می باشد. با این همه دو نوعی همگرایی در الگوهای گیاهی همچون ساحل و استپ غالب می باشد.

اقوام ساکن در قاره آفریقا

تکلم کنندگان به زبانهای بانتو (بخشی از خانواده نیجر- کنگو) بطور معمول دارای اکثربت در آفریقای جنوبی، مرکزی و شرقی هستند. اما گروه های نایلوتیک متعددی در شرق آفریقا نیز وجود دارند، و تعداد باقی مانده از

مردمان بومی سان خیوسان یا بوشمنها و مردمان کوتوله در جنوب و مرکز آفریقا هستند. آفریقایی های تکلم کننده به زبان بانتو همچنین در گابن و گینه استوائی غالب هستند، و در بخش هایی از جنوب کامرون و سومالی یافت می شوند. در کویر کالاهاری جنوب آفریقا، مردم بارزی که به عنوان بوشمن ها شناخته می شوند مت طولانی در آن نقطه حضور داشته اند. سان ها از لحاظ فیزیکی با دیگر آفریقایی ها تفاوت دارند و مردم بومی آفریقای جنوبی هستند. کوتوله ها مردمان بومی ماقبل بانتو، در آفریقای مرکزی می باشند . پیغمبه ها مردمان کوتوله در جنوب و مرکز آفریقا هستند.

پیغمبه ها در کنگو، آفریقای مرکزی

برادران امیدوار به عنوان اولین جهانگردان پژوهشگر تاریخ معاصر ایران نیز در طول سفر خود به میان این قوم رفته و از برخی مراسم جذاب و عجیب آنها مستنداتی را برای ما به ارمغان آورده اند. عیسی امیدوار در سفرنامه خود اینچنین بیان می نماید که:

"مردم قبیله پیغمبه متعلق به جنگل هستند و جنگل متعلق به آن هاست. پیغمبه ها که برده و بنده های سایر قبایل شمرده می شوند سایر سیاه پوستان آفریقا را مزاحمان متاجوز می نامند. افراد پیغمبه کوتاه ترین قامت ها را دارند و متوسط قد آنان یک صد و بیست هفت سانتی متر می باشد، اما از عضلات ورزیده و پیچیده بی برخوردارند. شاید کوتاهی قد آنها بر اثر کمبود نور خورشید در محیط زیست آنان باشد، در حالیکه ارتفاع متوسط قد بومیان شرق آفریقا، قوم دینکا و ماسایی که در منطقه باز و آفتابی به سر می برند، در حدود دو متر می باشد .

کلبه های اختصاصی برای هر خانواده، از شاخ و برگ درختان به ارتفاع تقریبی یک متر و به صورت مدور در کنار یکدیگر دیده می شدند. افراد هر خانواده هر چند وقت یکبار راه ورود به خانه را تغییر میدادند تا ارواح بد موقع ورود به خانه سردر گم شده و موفق به ورود نگردند

در نزدیکی کلبه ها بارها به زمین گذاشته شد و همگی برای رفع خستگی مدتی روی زمین نشستیم، اما چون از هیچ یک از افراد پیغمبه خبری نیود. پس از مدتی آرام به کنار کلبه ها نزدیک و به داخل آنها سرکشیدیم، ابزار شکار، تعدادی وسایل سفالی سیاه شده و مقداری هم از گوشت شکار که مگس و حشرات از آن استفاده می کردند، دیده می شد، اما یک نفر انسان هم وجود نداشت. آیا حادثه بی باعث شده بود که آنها یک باره محل خود را ترک کرده و گریخته باشند؟... بالاخره یکی از باربرها که ضمناً آشنازی مختصی به زبان پیغمبه داشت، با صدای رسا به دنبال آن ها داخل جنگل شد. پس از گذشت دو ساعت آن باربر به همراه چند نفر از پیغمبه ها و سایر افراد خانواده به ترتیب از نقاط مختلف جنگل وارد محل زندگی خود شدند. وقتی علت و دلیل این ماجرا از یکی از باربرهای خود سئوال کردیم، گفت پیغمبه ها مردم بسیار خجالتی بی هستند و خود را از رویرو شدن با مردم نا آشنا پنهان می کنند. یکی از ما - عبدالله - خنده کنان رو به دیگری - عیسی - گفت: خیلی عجیب است در حالی که بومی های جیوراروی آمازون در جستجوی غریبه ها بودند تا کلبه های شان را کوچک کنند این پیغمبه ها از غریبه ها فرار می کنند. در واقع پیغمبه ها از حس بویایی فوق العاده قویی برخوردارند، بنا به گفته هی رئیس قبیله، معلوم شد که حدود دو ساعت قبل از رسیدن ما به این محل، آنها با خبر شده و خود را مخفی کرده بودند .

چنان که گفتیم قد مردم پیغمبه بسیار کوتاه است اما مردها دارای عضلاتی پیچیده و قوی هستند، با سرعت عجیبی در پیچ و خمرهای جنگل می‌دوند، پاهای پیغمبهای نسبت به بدن شان کوتاه و کلفت است. کله‌های آنان گرد و فاصله‌ی میان دو چشم آنان بسیار زیاد و بینی‌های شان هم خیلی پهن و به اندازه‌ی گشادی دهان شان است. اما برخلاف سایر سیاه پوستان آفریقایی پیغمبهای آدمهای قاع و صبوری هستند. آنها بدون هیچ انتظاری برای هر کس کار می‌کنند برای نمونه به مجرد این که فهمیدند ما بی آزاریم با ما طرح دوستی ریختند حتی یک روز ریس قبیله «ماکومی» با پیوند خون خویش با ما صیغه برادری جاری کرد، او دستهای خود و دست ما را برید و خونها را مخلوط کرد و نوشید اما به ما تکلیف نوشیدن نکرد. پیغمبهای اصلًا خشنمانک نمی‌شوند مگر آنکه به آنها بخندند و مسخره‌شان کنند.

آنها با بو کشیدن محل پناهگاه حیوانات به خصوص فیل‌ها را پیدا می‌کرند و برای جمع آوری عسل از کندوهای زنبورهای جنگلی خیلی سهل و آسان از درختان سر به فلك کشیده با سرعت و مهارت فوق العاده‌ای بالا می‌رفتند، آنها می‌گفتند که صدای حیوان کوچکی به نام «چاملیون» سبب راهنمایی آنان به کندوهای زنبور عسل در کرانه‌های جنگل می‌شود. چرا که گویا این حیوان عادت دارد به مجرد احساس بوی عسل مخصوصی از گلوی خود ببرون بدهد، آنها برای دست یافتن به کندوهای زنبوران عسل درختان را از تنه می‌سوزانند و پس از آن که زنبوران پراکنده شدن کندوهای زنبور را محاصره می‌کنند.

پیغمبهای در شکار فنون مختلف و جالبی به کار می‌برند و ابزار و وسایل شکار آنها تیر و کمان و نیزه‌های مختلفی بود که نوک آنها با نوعی زهرگیاهی آغشته و همیشه آماده‌ی استفاده است آنها که از نزدیک شدن به گوریل‌ها وحشت زیادی داشتند برای شکار این حیوان ابتدا در پشت بوتهای پنهان شده، دو انگشت خود را به وضع مخصوصی در بینی کرده و با باد انداختن در گلو صدای ماده گوریل را تقلید می‌کرند، دیری نگذشت که پاسخ آن صدا شنیده شد و رفته رفته هیکل پشم آلود و عظیم یک گوریل به چشم خورد که مشغول کندن میوه‌های جنگلی بود و به ناگهان در همان حال مورد اصابت چند تیر از نیزه‌های پیغمبهای اش را به سینه می‌کوید به سوی یکی از پیغمبهای حمله کرد و چند قدمی بیش نمانده بود تا آن پیغمبهای در چنگالهای قوی او خرد و خمیر شود که توانست پا به فرار گذارده و از آن جا بگریزد که بدین ترتیب غائله پایان یافت اگرچه آن روز پیغمبهای از شکار می‌می‌می‌کردند و نه تنها ما بلکه تمام مردها را به علامت سپاس در آغوش گرفته و بوسیدند.

پیغمبهای شگفت انگیز هستند و تا حد زیادی ترسناک دختر و پسر پیغمبهای در اوایل بلوغ دندانشان توسط رئیس قبیله نیز می‌شود.

تحقیقان دیگری نیز درباره قبیله پیغمبهای مطالعاتی نموده اند که در اینجا به دو مورد از آنها اشاره می‌نماییم:

سال ۱۸۷۰م، دکتر داد با کمک النا وان دن اnde، زنی ماجراجو و فروشنده حیوانات وحشی به باغ وحش های

ارویا، موفق می شود تا یک زن و مرد از نژاد پیگمه را در افريقا به دام انداخته و به اسکاتلند ببرد. او قصد داشت تا به همراه دوستان انسان شناس اش الکساندر اوچینلک و فریز مک براید آزمایش هایی روی این دو پیگمه انجام داده و ثابت کند که حلقه گمشده داروین، موجوداتی میان میمون و انسان، نژاد کوتاه قد پیگمه آفریقایی است. آنها زوج پیگمه، توکو و لیکولا، را از هر جهت به دقت بررسی کرده و نتیجه می گیرند که آنها از دیگر نژادهای انسانی کهنه، بسیار حساس تر و باهوش ترند. این کشف آنها را به زودی مشهور می کند، اما دکتر داد مخالف این ایده است و به زودی با نمایش پیگمه ها در باغ وحش احساس می کند که بایستی در برابر کارهای غیر انسانی دوستانش بایستد. اما روند حوادث منجر به کشته شدن مرد پیگمه شده و دکتر داد با کمک النا زن پیگمه را که آبستن است به وطن اش بازمی گرداند.

آقای لونا نیز یکی از چهره های محبوب پیگمه های کنگو است. او مدعی است که مردم کشورش در مواجهه با مردم دیگر نقاط جهان دچار عقده حقارت شده اند. کوتوله های آفریقایی (پیگمه ها) اینان تابع سازمان همسری نیستند و «بدون هیچ قاعده اي به فرونشاندن غریزه های جنسی خود می پردازند». اینان مردمانی کوتاه قد بودند که قامتشان به زحمت به یک مترونیم میرسید و از این رو نام (پیگمه) به آنان داده شد. هنوز این پیگمه ها ی سیه چرده در جزایر مختلف فیلی پین در داخل جنگل ها زندگی می کنند و امور خود را با شکار می گذرانند. خوردن دل و جگر خام شکارشان را دوست دارند

منابع:

_ اميدوار، ع. ۱۳۸۷، **سفرنامه برادران اميدوار**، ويراست دوم، چاپ اول، تهران، نشر جمهوري.